



#3

Disney · PIXAR

INCREDIBLES 2

SECRET IDENTITIES

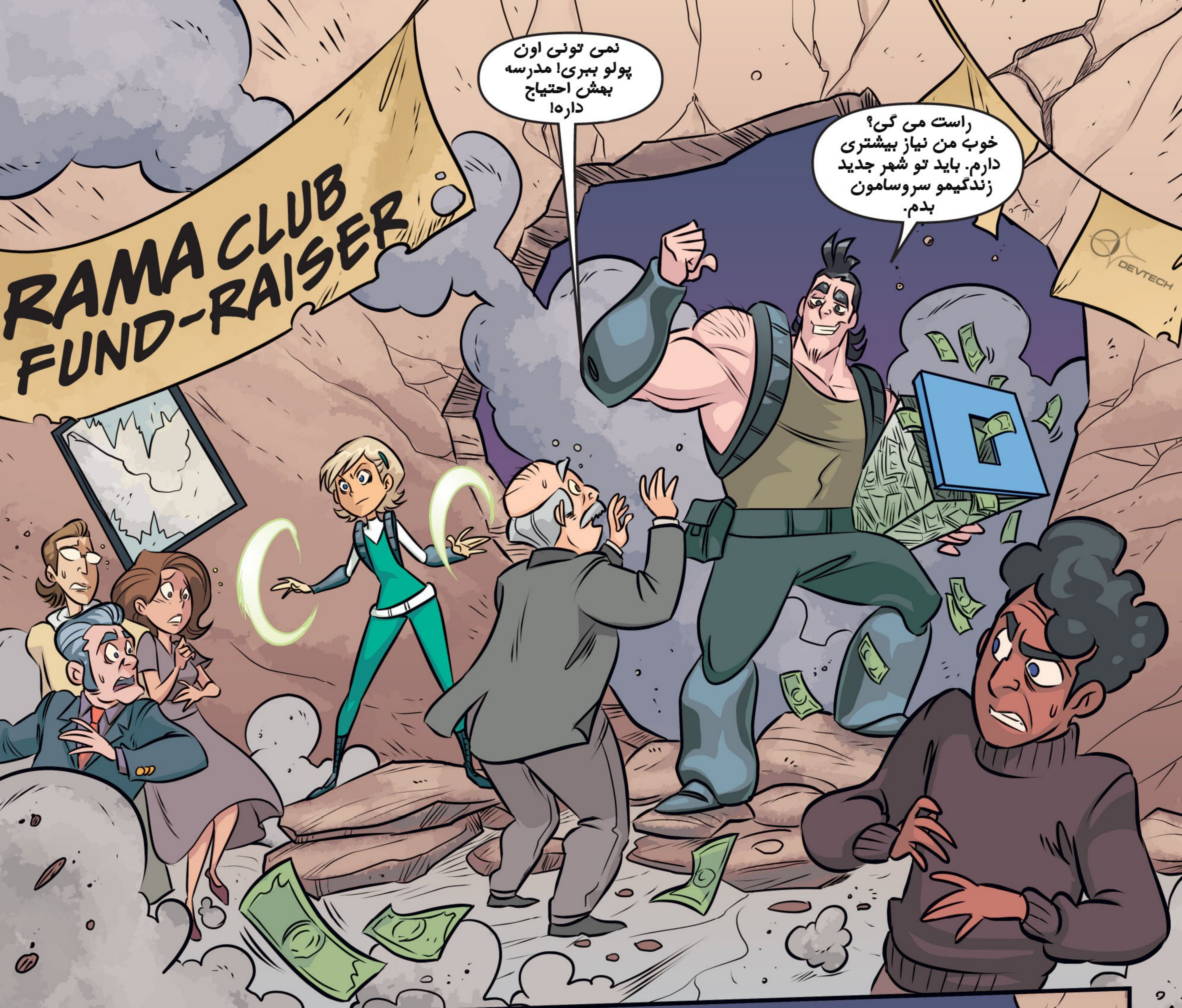


دورنامه

dorrname.info

کاری از: کیوان داوند





نمی تونی اون پولو ببری! مدرسه بهش احتیاج داره!

راست می گی؟ خوب من نیاز بیشتری دارم. باید تو شهر جدید زندگیمو سروسامون بدم.



حالا، همه سعی کنید آروم باشید. منم خیلی زود از سر راهتون می رم کنار.



قبوله.

چی...؟

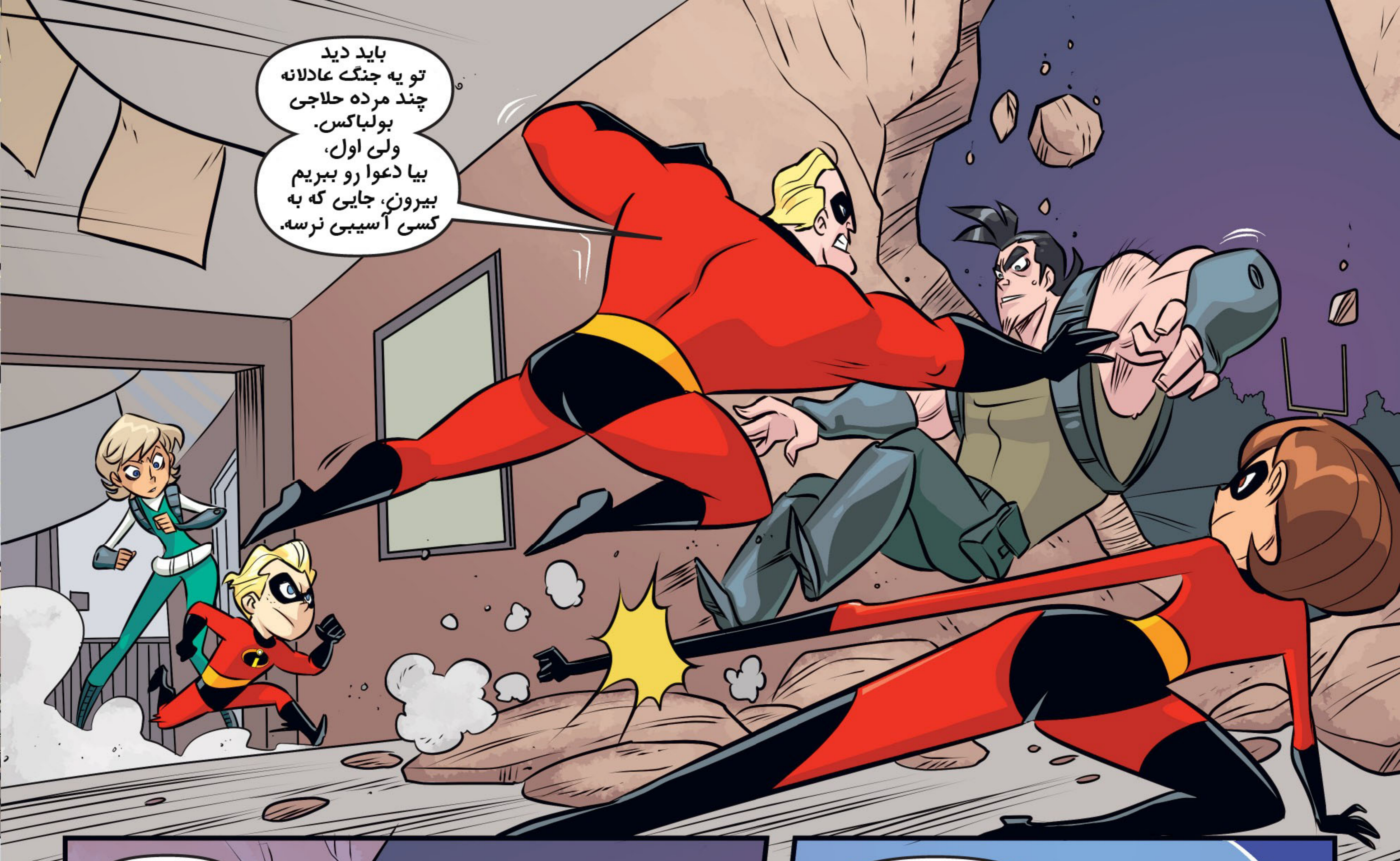
چون می ری
زندون!

جمله خوبی
برای معرفی
بود. خوب هم
اجرا شد.

اینبار شما
دو تا نوچه هاتونم
همراهتون آوردید
هاه؟

خوبه. من هم
په نفرو آوردم...
و خوشحال می شیم
په سری دیگه کتک
مجمونتون کنیم!

باید دید
تو به جنگ عادلانه
چند مرده حلاجی
بولباکس.
ولی اول،
بیا دعوا رو ببریم
بیرون، جایی که به
کسی آسیبی نرسه.



تو دوباره
به من دروغ گفتی
رزا!

نه تنها
جلوی دزدی های
پدرت رو نگرفتی، بلکه
باهاش همکاری هم
می کنی!



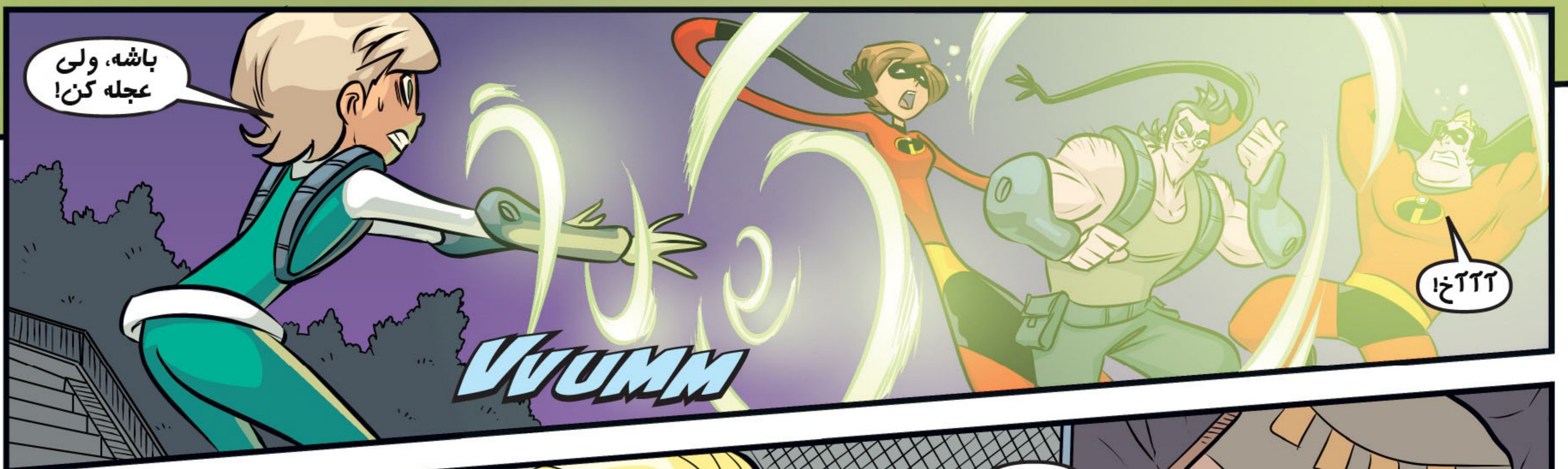
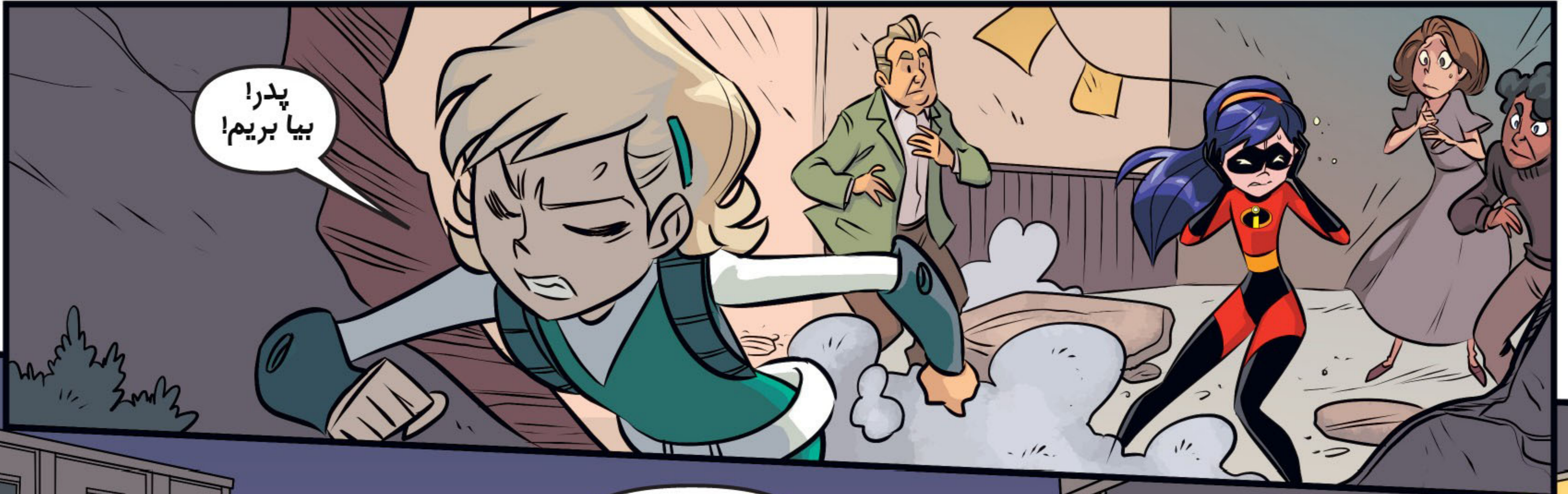
این تقصیر
خانواده توئه. اینجا
کارها رو خیلی سخت کردند.
ما باید از شهر خارج بشیم
و به این پول نیاز داریم.

فکر می کنی
میدان انرژی تو بتونه
ازت در برابر حمله صوتی
من محافظت کنه...

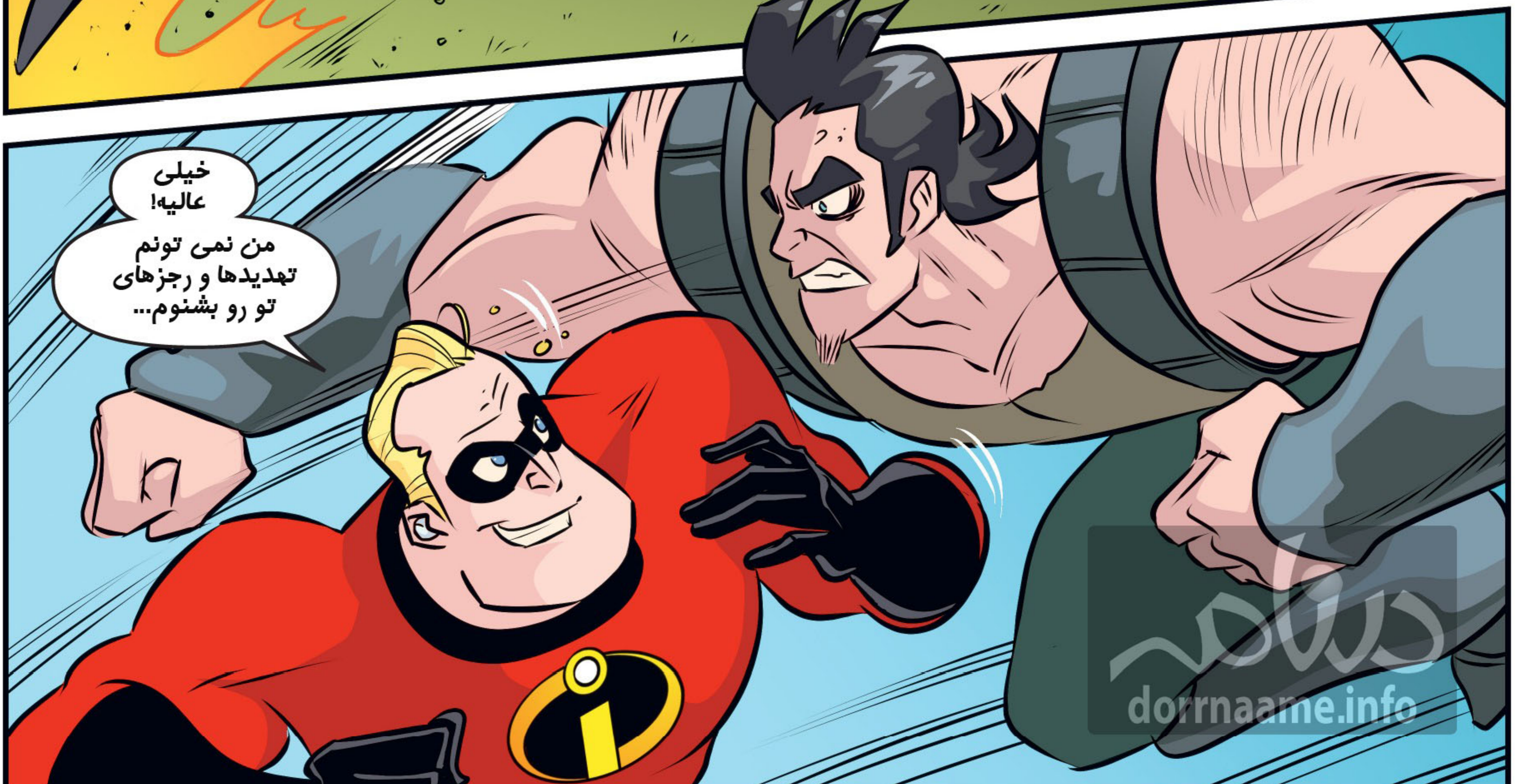


...بیینم
با حمله صوتی متمرکز
بر یک نقطه چطور برخورد
می کنی!











تو همه جنگ هام
باید گوشي بذارم
تو گوشم!

و امتياز
بيشتر هم حال
مي ده ها!



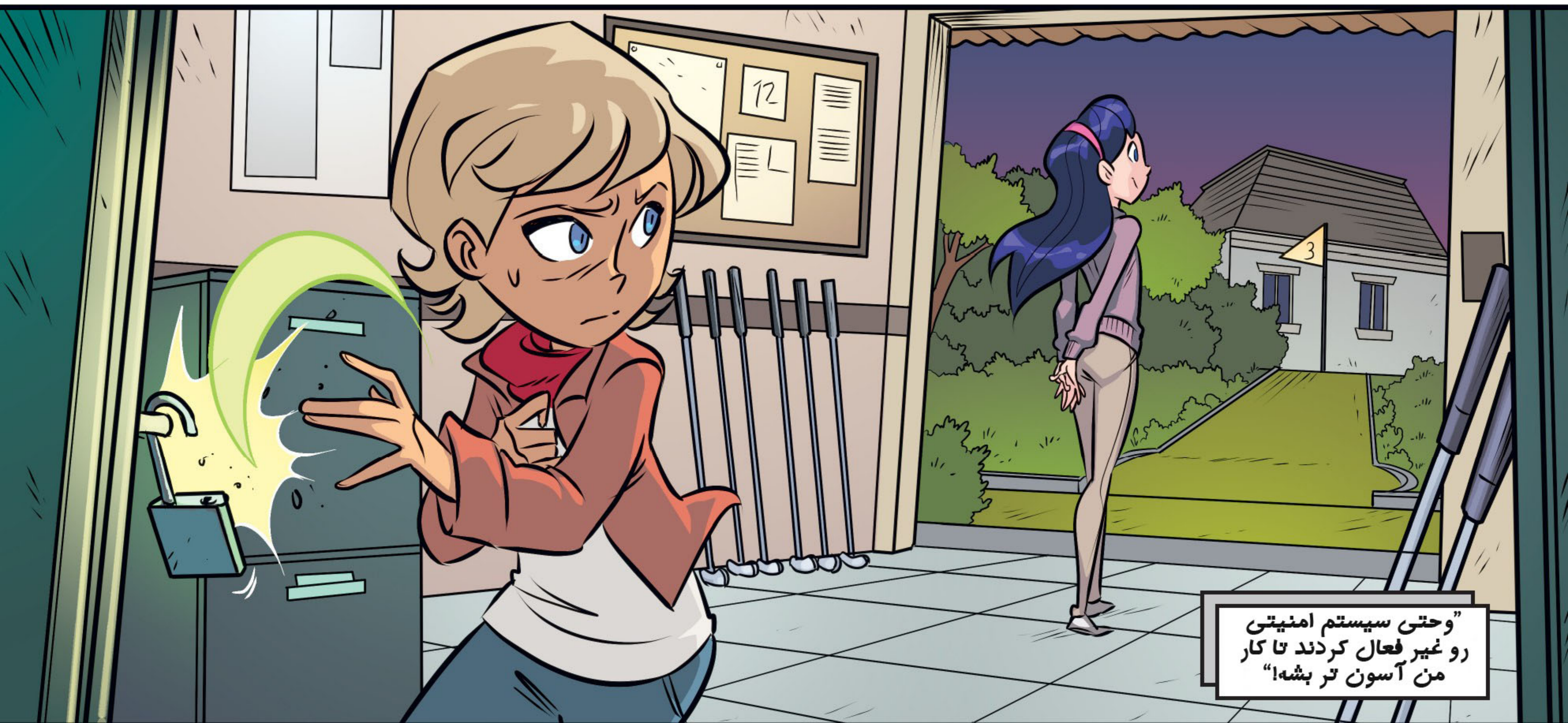
حالا كه توجهت
رو جلب كرديم، چند
كلمه باهات حرف
داريم.

چي فكر كردي
كه از اين دختر براي
كارهاي بدت سوء استفاده
مي كني؟

مگه چي
شده؟ اينكه به
بچه هاتون ياد ميديد
از قدرت هاشون استفاده
كنند خوبه؟



اگه...
اسمت پار
باشه؟







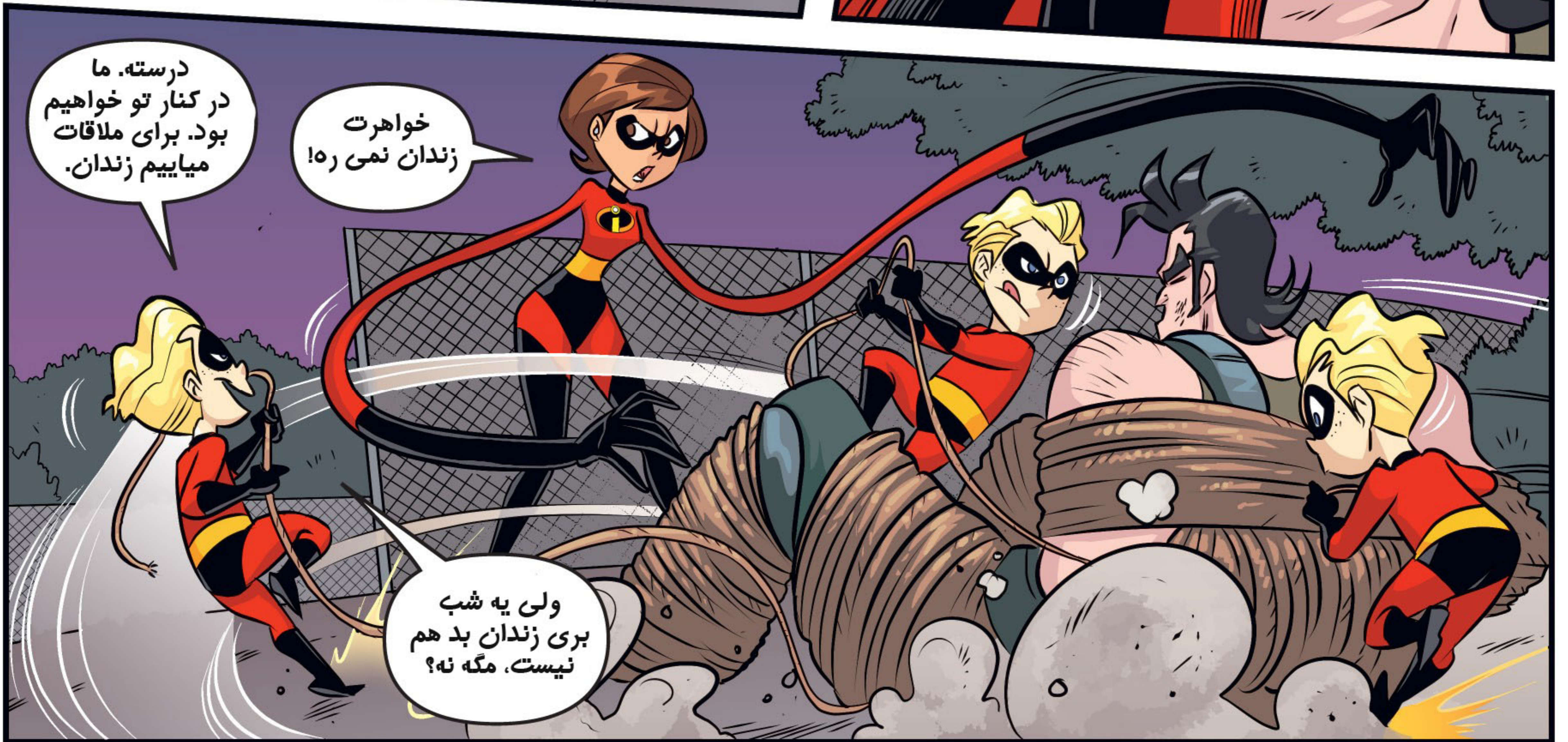




حق با توئه
رز. همه ما باید
کار درست رو انجام
بدیم.



حتی
وقتی سخت
باشه.



درسته. ما
در کنار تو خواهیم
بود. برای ملاقات
میایم زندان.

خواهت
زندان نمی ره!

ولی یه شب
بری زندان بد هم
نیست. مگه نه؟



به پلیس
می گم راجع به
این ماجرا هیچ اطلاعی
نداشتی و پولت.

حق منه که
برم زندان، نه
تو.

ما با پلیس
صحبت می کنیم.
مطمئنم می تونیم
مشکل رو حل کنیم.

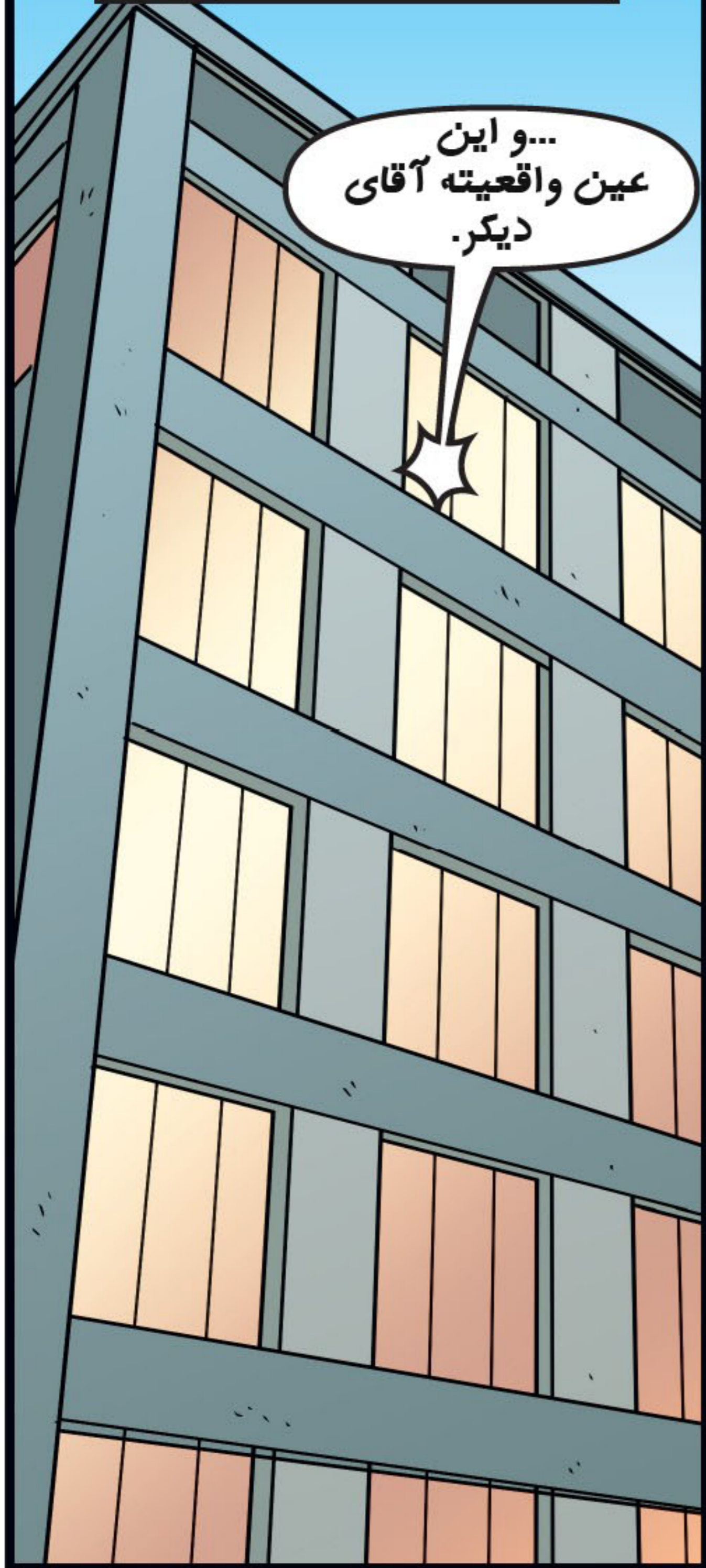


آژانس ملی قهرمانان،
شعبه میونیسپرگ.

...و این
عین واقعیته آقای
دیگر.

ویولت نمی دوست که کار غیرقانونی
داره انجام می ده. اون کار خلافی
نگرده.

من مسئولم.



رز در صحنه
مبارزه با بولباکس
خیلی قهرمانانه عمل کرد.
این کارش بای مؤثر
باشه.



همینطوره. من
با مقامات محلی صحبت
کردم و اونها رز رو
متهم نمی کنند.

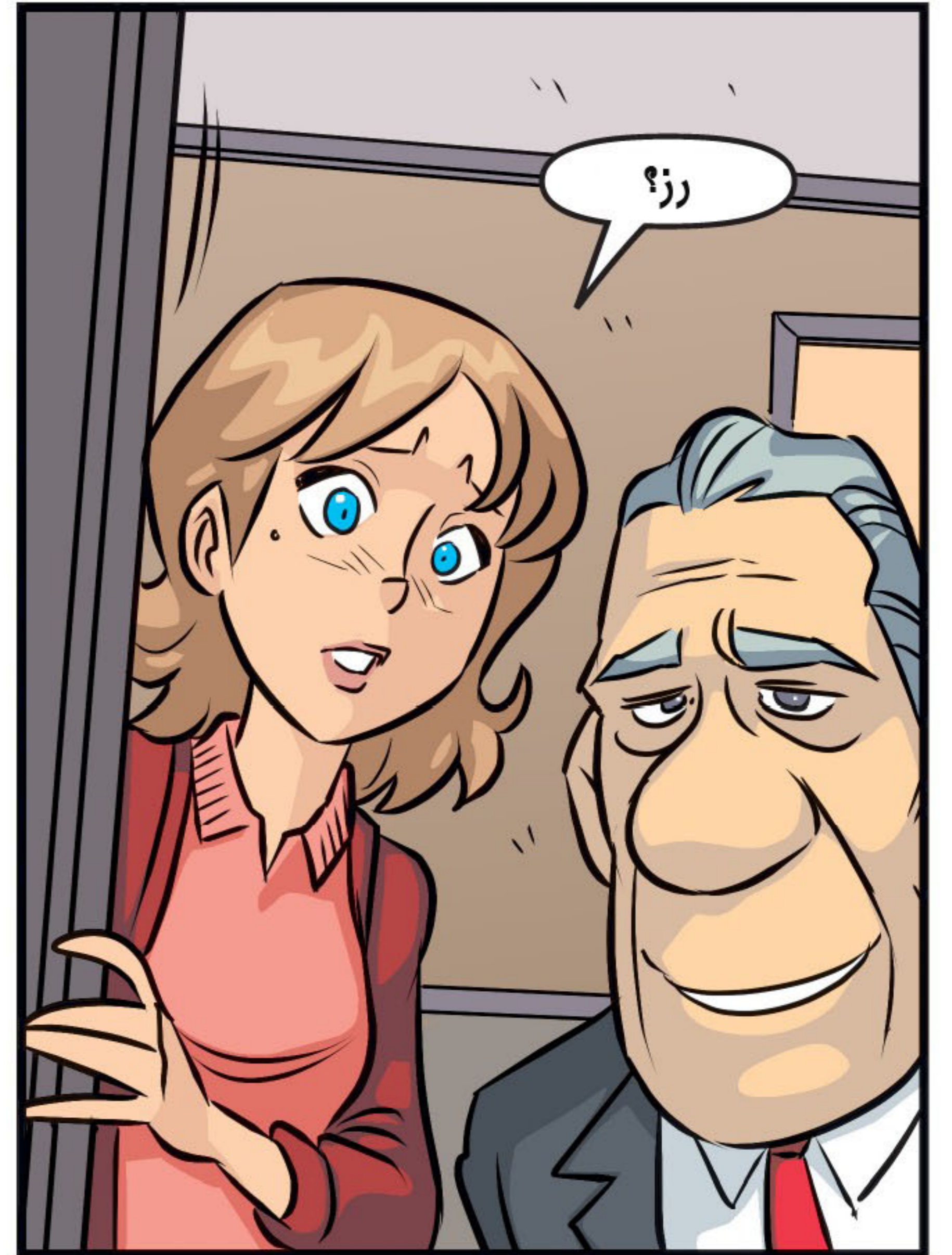
و-واقعا؟

دیدي؟
من که گفتم
درست می شه.



ولی پدرم
که می ره
زندان.

خیلی تنها
می شم...





کم باهوش ترین
مرد دنیا نیستم. کار خوبی
نداشتم. همیشه می خواستم
زندگی بهتری برای شما
فراهم کنم.

و با قدرتی
که من داشتم...
ساده ترین راه... دزدی
بود.



"به خودم گفتم که فقط به بار
این کارو می کنم. ولی باز هم
تکرار شد... و دوباره..."

"بعد مادرت متوجه شد. و پلیس
هم به من نزدیک شده بود."



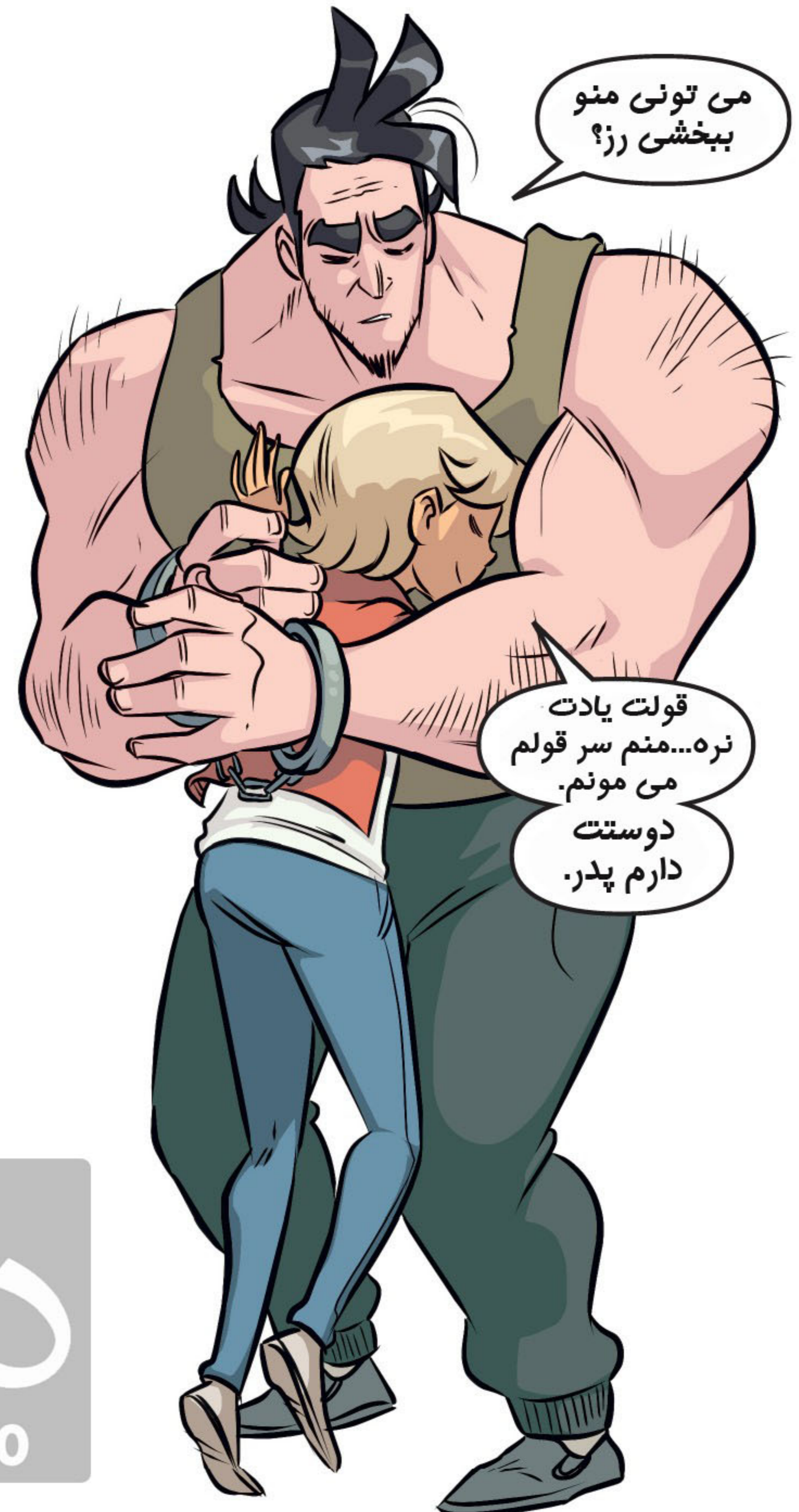
من ترسیده بودم و
درمانده. نمی خواستم تو
رو از من بگیرند. به همین
دلیل خواستم از نو شروع
کنم... نقش دیگه ای
بازی کنم.

ولی دوباره تو
عادت های قبلی
غرق شدم. و اوضاع
بدتر شد. دروغ این
بلا رو سرم آورد.



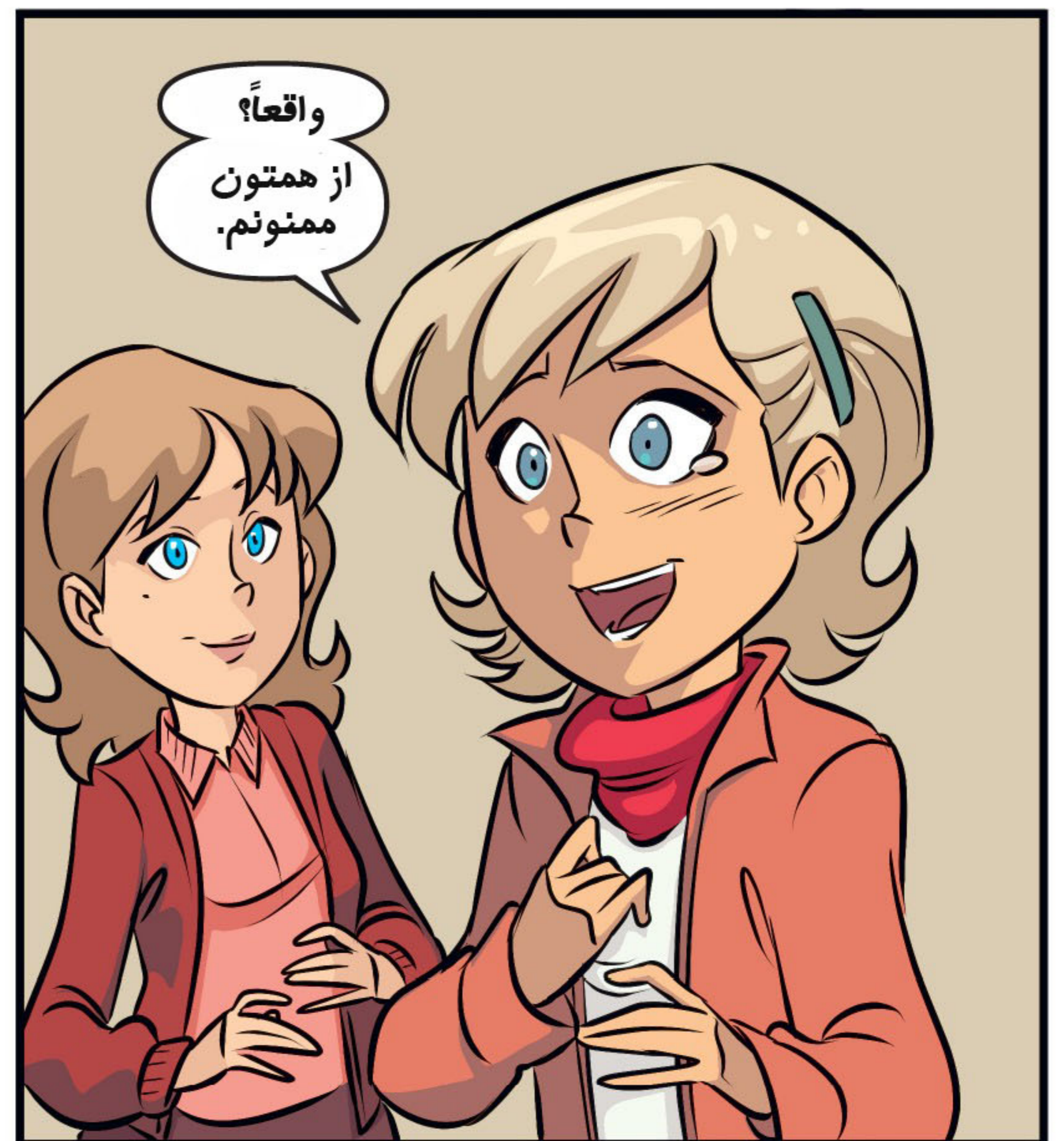
من باید برم زندان... و
خطاهای قبلم رو جبران
کنم.

ولی بعدش
پاک می شم... و وقتی
پیام بیرون، می تون
از نو شروع کنم.
قول می دم.



می تونی منو
ببخشی رز؟

قولت یادت
نره... منم سر قولم
می مونم.
دوستت
دارم پدر.





وقتی ویولت
و مادرش تو نیووستن
مستقر بشن، می ریم
بهشون سر می زنیم.

شاید با
یه کم آموزش بتونه
یه روز یه ابرقهرمان
بشه.



متأسفم
از اول راجع به
رز باهاتون حرف نزدیم.

درکت می کنیم.
هر دو شما فکر می کردید
که از خانواده اون دارید
حمایت می کنید.

و خانواده
مهمترین چیزه.

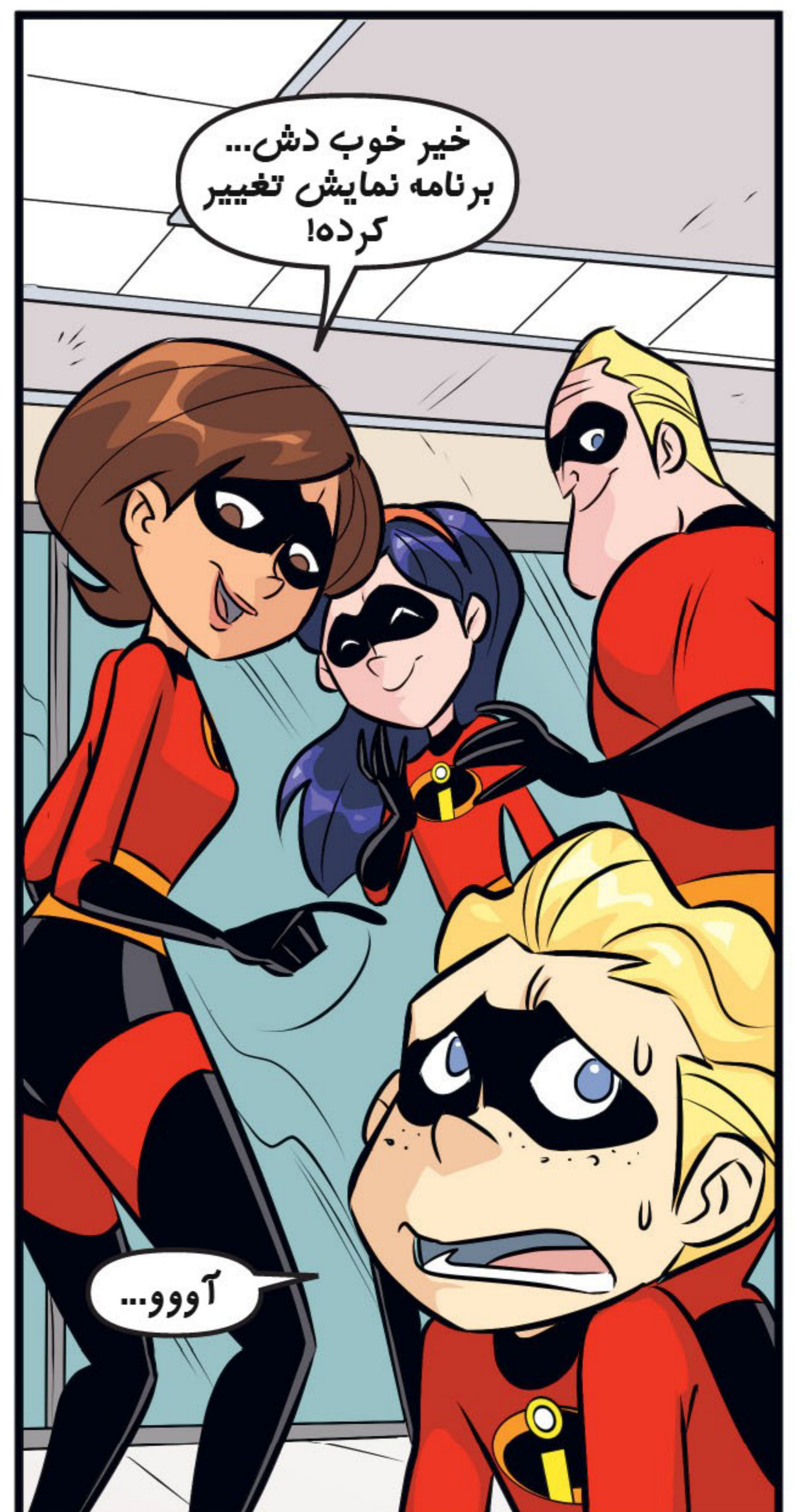


ویولت،
کاری که برای
اون خانواده خواستی
انجام بدی...
عالی بود.



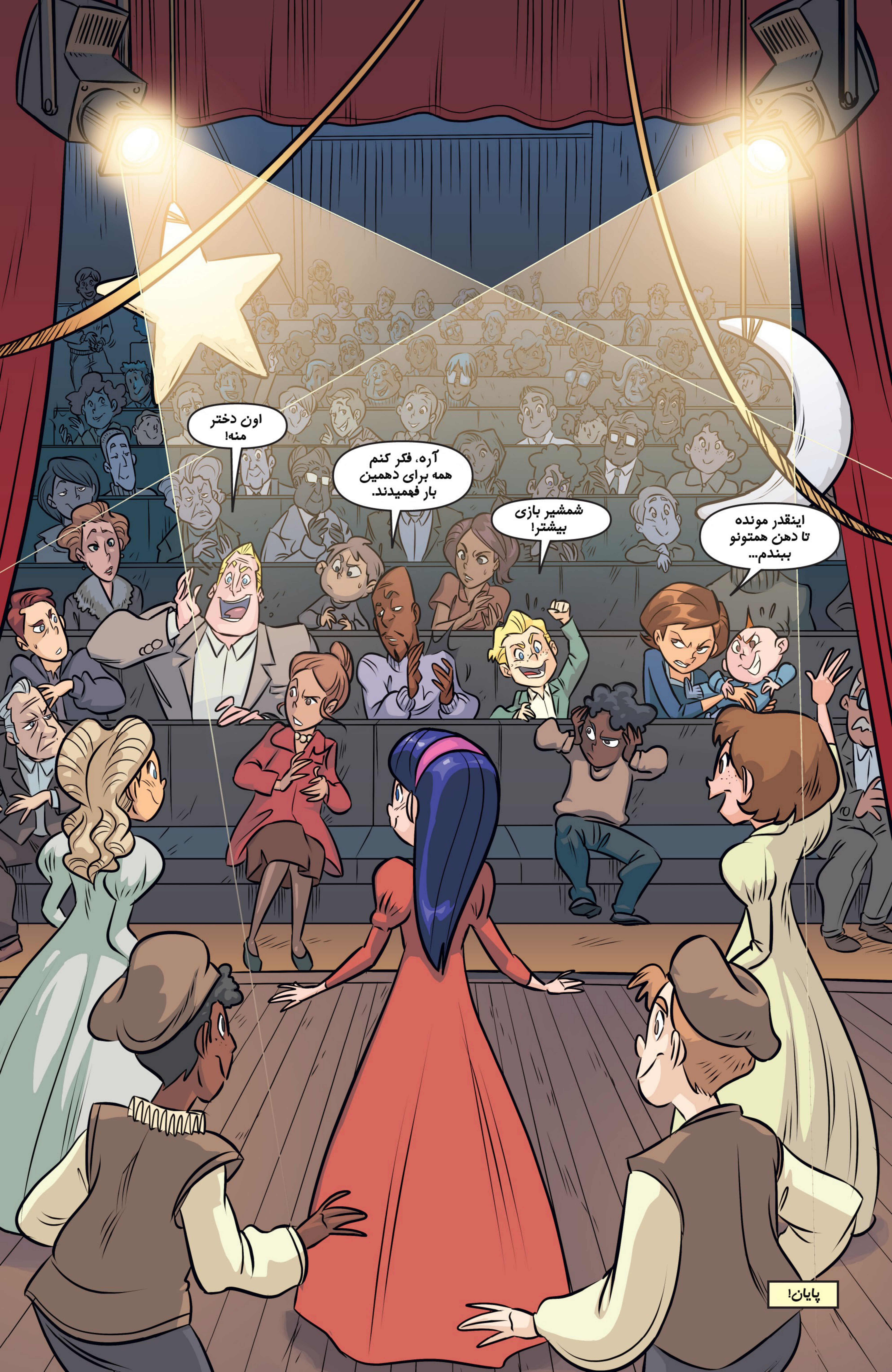
و ما بهت
افتخار می کنیم
ویولت.

و من
ازتون ممنونم که
از تماشای اون نمایش
خسته کننده راحتم
کردید!



خیر خوب دش...
برنامه نمایش تغییر
کرده!

آوووو...



اون دختر
منه!

آره، فکر کنم
همه برای دهمین
بار فهمیدند.

شمشیر بازی
بیشتر!

اینقدر مونده
تا دهن همتونو
ببندم...

پایان!



#3

Disney · PIXAR

INCREDIBLES 2

SECRET IDENTITIES



دورنام

dorrname.info

کاری از: کیوان داوند

